برادران بگرشتاف (بگراستاف)

مژگان قره

فصلنامه هنر
شماره ۸۰

چکیده:

متن حاضر نگاهی دارد به آثار گروه دو نفره بگرشتاف که در مدت بسیار کوتاهی توانستند سیمای طراحی پوستر در سراسر اروپا را متحول کنند. این گروه در سال ۱۸۹۳ با مشارکت ویلیام نیکلسون انگلیسی و جیمز پراید اسکاتلندی شکل گرفت. وجه تمایز این گروه با هنرمندان گرافیست معاصرشان، نگاه خلاقانه و پیشروی آنها بود. آنها به شکل بی سابقه‌ای به ساده کردن اشکال و پرهیز از سایه‌پردازی و پرسپکتیو رو آوردند. این که رویکرد ویژه بگرشتاف چقدر متأثر از آثار چاپ دستی ژاپن بوده است موضوعی است که در این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی بدان پرداخته شده است.

بررسی آثار بگرشتاف گواه آن است که اگرچه این گروه هیچ گاه از نزدیک با آثار چاپ دستی ژاپن آشنا نشده‌اند، ولیکن از این جریان بی اطلاع نبوده‌اند و به خوبی توانستند قابلیت‌های بالقوه هنر ژاپن را جذب کرده و آن را بومی کنند و با هویتی انگلیسی به جهانیان معرفی کنند.

مقدمه:

بدون شک اگر کسی به این واقعیت آگاه نباشد که از زمان شکل‌گیری گروه بگرشتاف بیش از یک قرن می‌گذرد، نمی‌تواند با مشاهده آثار آنها به این آگاهی دست یابد، چرا که با آثاری چنان پیشرو در حوزه طراحی گرافیک مواجه خواهد شد که هنوز با گذشت سالیان دراز، قدرت و صلابت خود را حفظ کرده‌اند.

بگرشتاف چنانچه به آن اشاره خواهد شد، یک نام مستعار بسیار مناسب بود برای هنرمندانی که در آثارشان از جزئیات غیرضروری پرهیز می‌کردند تا بتوانند پیام خود را در کوتاه‌ترین زمان ممکن به مخاطب برسانند. آنها به خوبی می‌دانستند که تبلیغات یعنی توجه مخاطب را به چیزی جلب کردن و در شرایطی که طراحان معاصرشان تلاش می‌کردند تا بر محدودیت‌های تکنیک‌های چاپی به ویژه لیتوگرافی رنگی غلبه کنند، آنها با شیوه‌ای ساده و بیانی ساده، ولی به شدت گیرا و چشمگیر توانستند توجه بسیاری را به خود جلب کنند.

بی‌تردید بررسی دوباره آثار آنها نه تنها خالی از لطف نیست، بلکه نکات آموزنده و ظریفی را با خود به ارمغان خواهد آورد، چرا که آنان هنوز در حافظه بصری بشر پیام کمترین بیشترین است را زمزمه می‌کنند و اثبات می‌کنند که غنی‌ترین همان بی‌نیازترین است.

برای این منظور و آگاهی بیشتر با گروه بگرشتاف، در بخش اول این پژوهش نحوه شکل‌گیری گروه به اختصار توضیح داده شده است. در بخش دوم، جریان‌های هنری مهم که بر آینده هنری گروه بگرشتاف تأثیر داشته، مورد توجه قرار گرفته است. در بخش سوم، نگاهی بر آثار چاپ دستی نیکلسون به عنوان نیمی از گروه بگرشتاف انداخته شده است. در نهایت آثاری که به شکل گروهی طراحی شده‌اند مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته‌اند و پس آن حاصل کلام ارائه شده است.

۱- شکل‌گیری گروه بگرشتاف[۱]:

بگرشتاف، یعنی کارکنان فقیر. نام مستعاری بسیار مناسب برای گروهی دو نفره متشکل از ویلیام نیکلسون[۲] (۱۹۴۹-۱۸۷۲) انگلیسی و جیمز پراید[۳] (۱۹۴۱-۱۸۶۶) اسکاتلندی که آثارشان فاقد هرگونه جزئیات غیرضرور بود و این امر نه تنها به معنای تهی و بی‌چیز بودن آثار بود، بلکه به آن غنای بصری می‌بخشید. این گروه در مدت بسیار کوتاهی با نبوغ بی‌نظیر خود در طراحی و ساده‌سازی اشکال،

توانستند چهره طراحی پوستر در اروپا را متحول کنند. اما می‌توان گفت ریشه‌های این تحول در مهارت‌های نیکلسون در امر چاپ نهفته است.

گرگ هریس[۴] در مقدمه کاتالوگ نمایشگاه آثار نقاشی نیکلسون که در سال ۲۰۰۵ برگزار شد، به نقل از ادوارد گوردون کرگ[۵] (۱۹۶۶-۱۸۷۲) هنرپیشه و طراح صحنه می‌گوید: «ظهور ویلیام نیکلسون در صحنه هنر لندن به حضور ناگهانی یک کلاغ جوان در رمه شلخته کبوتران شبیه بود.»

نشانه‌های این ظهور به اواسط دهه ۱۸۹۰ میلادی باز می‌گردد، زمانی که نیکلسون به‌عنوان نیمی از گروه برادران بگرشتاف، برای طراحی‌های پوستر خلاقانه‌اش و بعدها چاپ‌های شاد و فانتزی‌اش به‌خوبی شناخته شده بود.

ویلیام نیکلسون در سال ۱۸۷۲ در یک خانواده مرفه متولد شد. پدر او مدیر یک کارخانه ذوب‌آهن بود که ماشین آلات کشاورزی تولید می‌کرد. در سال ۱۸۸۰، زمانی که ویلیام هشت ساله بود، پدر او به‌عنوان یکی از اعضای محافظه‌کار پارلمان انتخاب شد و یک سال بعد ویلیام را به مدرسه شبانه‌روزی سنت مگنس گرامر[۶] فرستاد. در سال ۱۹۲۶، ویلیام همچنان مدعی بود که «زندگی من در آن روزها چنان جهنمی بود که همچنان بخشی از کابوس شبانه‌ام است.»

سر ویلیام نیکلسون (۱۹۴۹-۱۸۷۲)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کابوس‌ها با دخالت استاد طراحی ویلیام کوبلی[7] به پایان رسیدند. او مشوق نیکلسون بود و از سن ۱۲ سالگی به او به شکل خصوصی در منزلش آموزش می‌داد و نیکلسون به شکل مشهودی یک هنرآموز علاقه‌مند بود.

در سال ۱۸۸۸ زمانی که ویلیام ۱۶ سال داشت، کوبلی او را به ترک مدرسه ترغیب کرد. او پس از ترک مدرسه شبانه‌روزی به مدرسه هنر هوبرت هرکومر[8] در نزدیکی هرت فورد شایر[9] رفت. هرکومر (۱۹۱۴-۱۸۴۹) یک نقاش مستعد آلمانی بود که از سال ۱۸۷۰ در انگلیس زندگی می‌کرد و بیشتر برای پرتره‌ها و نقاشی‌های رئالیسم اجتماعی خود شناخته شده بود.

هرکومر به حضور در تئاتر علاقه داشت و اغلب در فضایی با نورپردازی استادانه با شاگردانش به تمرین می‌پرداختند. بعدها او در استودیوی شخصی خودش به کارگردانی فیلم‌های صامت رو آورد. اگرچه زمانی که ویلیام با یک چتر سیاه باز بر فراز سرش در جلوی او ظاهر شد، حس شوخ‌طبعی او محدود شده بود، با این حال ویلیام نیکلسون بهترین شاگرد او در مدرسه هنری‌اش بود. ویلیام مدرسه را در بهار ۱۸۹۱ قبل از اخراج شدن ترک کرد.

در اکتبر همان سال ویلیام برای فراگیری نقاشی منظره به پاریس و به مدرسه ژولین[10] رفت، مکانی که اخیراً مورد توجه نبی‌ها[11] قرار گرفته بود و بسیار متأثر از گوگن[12] بود. برای ویلیام لورر فضای حاصل خیزتری بود و علاقه او به نقاشی سده ۱۷ اسپانیا تا جایی افزایش یافت که به کپی کردن آثار ولاسکوئز[13] مشغول شد.

آکادمی ژولین بسیار شلوغ و مملو از دانش‌آموزان خارجی بود و آموزش در آن پراکنده بود. ویلیام احتمالاً برای درک کردن فضای رقابتی متأثر از جریان‌های افراطی هنر فرانسه خیلی جوان و بی‌تجربه بود و پس از گذشت چند ماه به نیویورک بازگشت تا با خانواده‌اش زندگی کند و در استودیوی شخصی خودش کار کند.

در آوریل ۱۸۹۳ ویلیام نیکلسون با میبل پراید[14] که یکی از دانش‌آموزان مدرسه هرکومر بود، ازدواج کرد و به همراه همسرش به دنهام[15] که در نزدیکی لندن بود، رفت. جیمز[16] برادر بزرگ‌تر میبل، ویلیام را به شراکت در امر سودآور طراحی پوسترهای تبلیغاتی ترغیب کرد و به این صورت گروه دو نفره بگرشتاف شکل گرفت.

آنها اولین پوستر خود (پوستر هملت) را با این عنوان امضا کردند. احتمالاً آنها نمی‌خواستند که ورود

آنها به دنیای هنر تجاری به واسطه سابقه هنریشان در نقاشی به هیچ شکلی مورد پیش داوری قرار گیرد. اما هیچ مدرک محکمی که اثبات کند آنها می‌خواستند هویت واقعی خود را پنهان کنند وجود ندارد. زمانی که یک یا دو سال بعد از آنها در خصوص چگونگی انتخاب لقب بگرشتاف سؤال کردند، نیکلسون توضیح داد که: «جیمز و من روزی در اصطبل روی یک کیسه علوفه به نام بگرشتاف برخورد کردیم. اسم خوبی است و صمیمانه است و یک اسم انگلیسی قدیمی است. اسم خودش را به ما نشان داد و ما آن را سریع پذیرفتیم.» اما توضیح پراید در مورد انتخاب نام کمی متفاوت است. او معتقد بود که او به تنهایی این نام را کشف کرد و استفاده از آن را پیشنهاد کرد. ولی نحوه یافتن نام مانند همان چیزی است که نیکلسون می‌گوید.

در ابتدا پراید و نیکلسون آثارشان با عنوان J & W Beggarstaff امضا می‌کردند، اما با گذشت زمان تعدادی از ستایندگان به آنها لقب برادران بگرشتاف را پیشنهاد کردند. علی‌رغم این که این دو هنرمند نسبت فامیلی داشتند، به ندرت از این لقب استفاده می‌کردند؛ به ویژه که نیکلسون با استفاده از کلمه برادر مخالف بود.

برادران بگرشتاف از تأثیرگذارترین طراحان گرافیک دوران خود بودند. آنها در مدت پنج سال مجموعه پوسترهایی را طراحی کردند که با سادگی جسورانه و طراحی قدرتمندشان سیمای طراحی پوستر در تمام اروپا را دچار تحولی عظیم کرد. آنها تصاویر را به قوی‌ترین شکل ممکن نمایش می‌دادند. با وجود این که پس زمینه‌های فاقد جزئیات غیرضروری و استفاده تمام و کمال از نیم‌رخ ویژگی اصلی آثارشان بود، همین ویژگی باعث می‌شد که سفارشات نسبتاً کمی به آنها داده شود و تعدادی از آثار آنها به همین دلیل نگه‌داری نشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۲- تأثیرات:

در سال‌های ۱۸۶۷ و ۱۸۷۸ هنرمندان ژاپنی با نمایشگاه چاپ‌های دستی کلیشه‌های چوبی در پاریس حاضر شدند. هنر آنها یکی از نافذترین هنرهای دوران بود که بر اروپا اثری قابل توجه داشت و ویژگی‌هایی چون خطوط دورگیری شده محکم و استوار و رنگ‌های تخت را با خود به همراه آورد. چاپ‌های ژاپنی و بروز تکنیک عکاسی، محرکی غیرمعمول برای استفاده از فضا در کادر مستطیل عمودی بود که می‌توان تأثیر آن را بر پوستر لوترک به نام آریستاد بران در کاباره خود مشاهده کرد. در

این اثر همان رویکرد هنر ژاپن با تاکید بر شکل‌های تخت تزئینی و نگاه سریع عکاسانه منعکس شده است... (هولیس، تاریخچه طراحی گرافیک:۴۵)

بعدها زمانی که برادران بگرشتاف با آثار لوترک در نمایشگاه وست مینستر آکواریوم[۱۷] آشنا شدند، بسیار تحت تأثیر قرار گرفتند. این دو هنرمند لوترک را بی‌نهایت ستایش می‌کردند، به‌طوری که در مجله ایدلر[۱۸] این نقل قول از پراید آمده است که می‌گوید: «این مرد فرانسوی از معدود هنرمندانی است که می‌داند پوستر چیست و چگونه باید باشد.»

به‌طور کلی می‌توان گفت که تأثیرات هنر ژاپن (ژاپونیسم)، آثار لوترک و نقاشی نبی‌ها در آثار بگرشتاف و چاپ‌های دستی نیکلسون احساس می‌شود.

Toulouse-Lautrec . Aristide Bruant. 1893

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۳ـ آثار چاپی نیکلسون:

ویلیام وستون[۱۹] معتقد است آثار چاپ دستی کلیشه‌های چوبی نیکلسون از انقلابی‌ترین آثار چاپی بریتانیا در دوران خودش است. به اعتقاد وستون این آثار مفهوم کلی تصویرسازی به وسیله کلیشه‌های چوبی را متحول کرد.

وستون می‌گوید: آثار نیکلسون بسیار هوشمندانه‌اند. سادگی جسورانه فرم‌ها، اشارات کوچک برای آشکارتر شدن موضوع، ساده کردن موضوع تا حد یک لکه سیاه و سفید، نشانه‌هایی از نبوغ او هستند. خطوط سیاه و جسورانه او نشانه از آگاهی او به جریان ژاپونیسم است. این جریان در آن زمان به سختی در انگلستان شناخته شده بود و تنها کسانی که در نمایشگاه پاریس این آثار را از نزدیک دیده بودند با آن آشنا بودند. از آنجایی که نیکلسون در این زمان هیچ ارتباطی با فرانسه نداشت، تنها از روی تصاویر مجلات می‌توانسته با این آثار آشنا شده باشد و این هم باز نشانه‌ای از نبوغ فردی اوست که با الهام از تصاویر به چنان رویکرد انقلابی‌ای رسیده است. این در حالی است که نیکلسون در این زمان بسیار جوان و کم تجربه است.

کلیشه‌های چوبی توسط خود نیکلسون ساخته می‌شدند. آثار ابتدا روی کاغذهای نازک هندی چاپ می‌شدند، سپس روی یک مقوای محکم چسبانده شده و به شکل دستی و با کمک آبرنگ رنگ‌آمیزی می‌شدند. در نهایت آثار به شیوه لیتوگرافی رنگی و بدون امضای هنرمند تکثیر می‌شدند.

تصاویری که در بالا آمده است، بخشی از دوازده تصویری است که توسط نیکلسون برای یک تقویم ورزشی طراحی شده است. همانطور که پیداست، ساده‌سازی فوق‌العاده فرم‌ها هیچ کجا منجر به نقص در بیان نشده است. استفاده به‌جا از تضاد سیاهی و سفیدی باعث شده است که پیکره انسان‌ها یا حیوانات بدون درنگ و تمام و کمال احساس شود. ترکیب‌بندی‌ها

فوق‌العاده‌اند و از هر ورزشی مهیج‌ترین صحنه برای تصویرسازی انتخاب شده است و به این ترتیب بیننده می‌تواند رقابت تنگاتنگ اسب‌سواران را درک کند. همین میزان هیجان بصری در تصویر مسابقه سگدوانی[۲۰] (فوریه)، مسابقه قایقرانی (آوریل) و مسابقه گلف (اکتبر) مشهود است. نکته قابل توجهی که در این آثار به چشم می‌خورد این است که علی‌رغم استفاده از رنگ‌های تخت و پرهیز از سایه روشن، فیگورها دارای حجم هستند، بدان معنا که فرورفتگی و برجستگی‌های اندام انسان و حیوان بسیار زیرکانه نمایان شده است که این گواه تبحر نیکلسون در امر طراحی است. نیکلسون تنها به کمک اشاراتی کوچک قادر بود که چین و چروک لباس‌ها را آشکار کند. اگرچه در بسیاری از آثارش از خطوط محیطی خبری نیست، ولی بیننده به خوبی می‌تواند مرزها را به کمک تضاد رنگی تشخیص دهد. در ادامه نمونه‌هایی دیگر از آثار چاپی نیکلسون ارائه شده است.

۴ـ آثار بگرشتاف:

مهارت فوق‌العاده نیکلسون در بیان بصری به شیوه‌ای مختصر و مفید بعدها در آثاری که به همراه پراید خلق کرد، به کمک او شتافت. در بسیاری از پوسترهایی که گروه دو نفره بگرشتاف خلق کردند، به خوبی ردپای آثار چاپی نیکلسون دیده می‌شود. آثاری که توسط نیکلسون و پراید خلق شده است

به شکل خارق‌العاده‌ای گرافیکی هستند، بدان معنا که تنها به مدد دو عنصر نوشتار و تصویر توانسته‌اند به القای پیام بپردازند و بسیار جالب است که در همه آنها ردپای هنر ژاپن دیده می‌شود، بدان معنا که در همه پوسترها از سایه‌پردازی و پرسپکتیو پرهیز شده و همه چیز در کمال سادگی به شکل تخت ظاهر شده است.

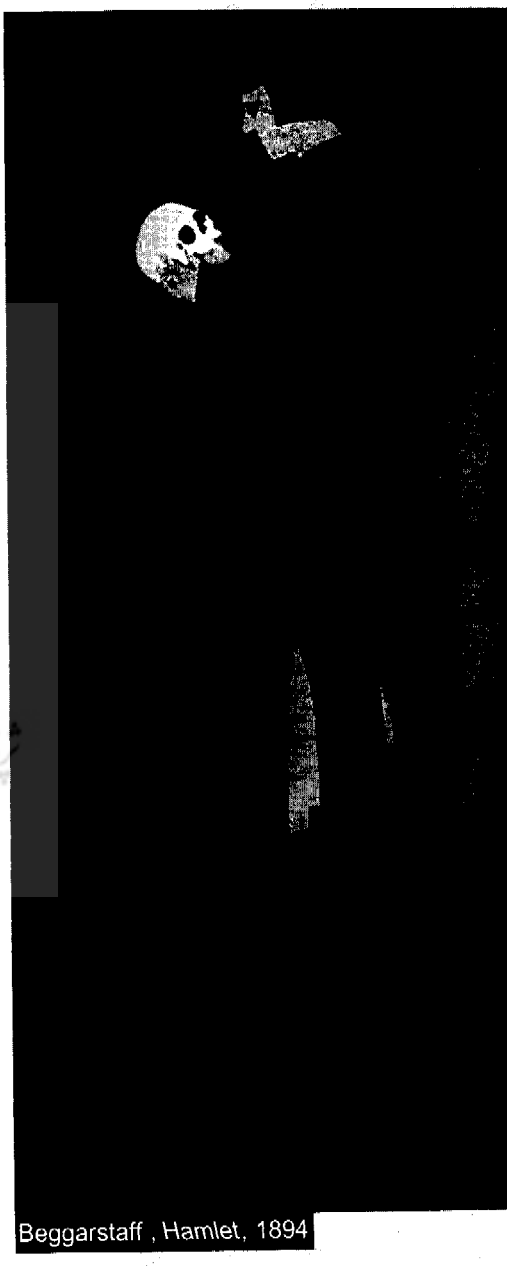
Beggarstaff , Hamlet, 1894

۱-۴- پوستر هملت:

اولین اثر همکاری نیکلسون و پراید در سال ۱۸۹۴ توسط ادوارد گوردون کرگ سفارش داده شد. گوردون قرار بود که در یک نمایش در نقش هملت ظاهر شود. او می‌خواست که نمایش آنها سریع و آسان از مسافت دور مورد توجه وسایل نقلیه در حال عبور قرار گیرد. پس جیمز و ویلیام تصمیم گرفتند تا از یک تصویر نیم‌رخ و اشکال و رنگ‌های ساده استفاده کنند. آنها پوستر را با کمک کلاژ کردن کاغذهای سیاه و سفید روی یک زمینه قهوه‌ای طراحی کردند. تهیه‌کننده از سادگی رنگ‌ها شگفت زده شده بود و با این حال دستمزد آنها را پرداخت کرد و نیکلسون برای تکثیر اثر به کمک شابلون آن را به تعداد زیاد روی کاغذ قهوه‌ای چاپ کرد.

کمپل در کتاب خود (بگرشتاف) این گونه توضیح می‌دهد:

در این اثر پراید و نیکلسون طرحی جالب از نیم‌رخ هملت را نشان داده‌اند، در حالی که جمجمه یوریک را در دست گرفته است... فیگور شاهزاده دانمارک، نیم‌رخی است که از کاغذ سیاه بریده شده، و با رنگ‌های کم‌رنگ خط‌های شنل و رنگ سفید جمجمه در تضاد است. سختی و صلابت فیگور با زوایای شکسته و گوشه‌دارش تشدید می‌شود، به ویژه که حاشیه موها و پاها تأثیر

پررنگ قیچی را نشان می‌دهد. باوجود این که فرم‌ها تا حدی ساده شده‌اند، ولی جزئیات ریزی مانند حلقه هملت از اجزای مهم ترکیب‌بندی است.» (بگرشتاف:۱۸)

ادوارد گوردون کرگ برای دیدن مراحل طراحی اولین پوستر مشترک پراید و نیکلسون فراخوانده شد:

«به شکل حیرت آوری نیکلسون همه چیز را با دست چاپ می‌کرد. او یک میز بزرگ داشت که روی آن رول‌های بزرگ کاغذهای قهوه‌ای را قرار می‌داد، سپس رول‌ها را باز می‌کرد و هملت را در اندازه طبیعی بارها و بارها به کمک شابلون چاپ می‌کرد. این یک پیروزی بزرگ بود، ولی فقط برای نیکلسون. پراید معمولا طبقه بالا در رختخواب بود. خانم نیکلسون هم در حال آماده کردن سه قطعه استیک بود و این شرایطی بود که در آن اولین اثر این همکاری جدید خلق شد.» (کولین کمپل، بگرشتاف:۱۸)

نکته قابل توجه در این اثر، کشیدگی آن است که به کمک کادر اثر تشدید شده است و به القای احساس ایستادگی و استواری کمک می‌کند. کشیدگی اثر خود به نوعی یادآور کشیدگی معماری کاخ‌ها و کلیساهاست و اثر به کمک این ترفند با فضایی که نمایشنامه در آن شکل گرفته است، پیوند می‌خورد. جایگاه مناسب نوشتار یا همان عنوان هملت باعث می‌شود که فیگور هملت در فضا معلق نبوده و اثر به یک وضعیت محکم و پایدار برسد و چه بسا اگر عنوان هملت در مکان دیگری مثلاً در بالای پوستر قرار می‌داشت، بیم آن می‌رفت که هملت هر لحظه سقوط کند و واژگون گردد. بسیار جالب توجه است که چین و چروک شنل هملت تنها با چند اشاره کوچک رنگی به خوبی نمایان می‌شود، به ویژه که برش انتهای شنل بسیار هوشمندانه است و به یاری اشارات رنگی آمده است. اما نگاه خیره هملت به حفره خالی از چشم جمجمه بسیار تأثیرگذار است، گویی این دو در حال گفت‌وگو هستند، ولی نه گفت‌وگویی معمولی، بلکه گفت‌وگویی که از راه دریچه روح انجام می‌شود و هملت را به دنیای مردگان می‌کشاند.

۲-۴- پوستر کازاما:

همانند تمام پوسترهای بگرشتاف، این شاهکار طراحی گرافیک، به شکل کنایه‌آمیزی نشان می‌دهد که کمترین بیشترین است. با استفاده از ترکیب چشمگیر و هماهنگ رنگ‌ها و طراحی نیم‌رخ، اثری

به‌یاد ماندنی که تا ابد با عنوان «کازاما» در خاطره‌ها می‌ماند، خلق شده است.

دختر پوستر کازاما با دوشیزه‌های شاد و خندان دیگر پوسترهای تبلیغاتی اجناس خانگی که در این دوران با آنها مواجه می‌شویم، تفاوتی آشکار دارد. (مانند آثار ژول شر). به واسطه چهره‌ای سرد و بی‌هویت، این دختر هیچ پیامی را القا نمی‌کند و هیچ نظری در مورد کالا ارائه نمی‌دهد. دختر به گونه‌ای طراحی شده است که موها و سبد او با همان رنگ زمینه چاپ شود تا به این شکل دختر چشمگیرتر شود.

برادران بگرشتاف دختر را در یک زمینه زرد روشن قرار داده‌اند. احاطه فیگور با یک فضای وسیع

Beggarstaff , Kassama, 1900

زرد رنگ آنها را مطمئن می‌ساخت که این پوستر از آثار تبلیغاتی همزمان با خودش مجزا خواهد شد. (کولین کمپل، بگرشتاف:۴۹)

سادگی در این اثر شگفت‌انگیز است. اگر خطوط روی سبد وجود نداشتند چه اتفاقی می‌افتاد؟ جایی در نزدیکی مرکز پوستر القا کننده چیزی شبیه سوراخ بود، در حالی که تنها به واسطه حضور چند خط نازک از این نقص بصری جلوگیری شده است. همین تمهید در مورد انگشتان دختر نیز به‌کار رفته است. اگرچه چهره بی‌هویت دختر هیچ پیامی را در خصوص کالا القا نمی‌کند، ولیکن فیگور دختری با یک سبد خرید خود نشان‌دهنده این واقعیت است که کالایی که در این اثر تبلیغ شده، مورد توجه بانوان است و همچنین نشان‌دهنده این مطلب است که کالا به آشپزخانه تعلق دارد و مورد استفاده دیگری ندارد و این پیام چنان زیبا و غیرمستقیم است که از هر پیام مستقیم دیگری بهتر عمل می‌کند که این نشان‌دهنده خلاقیت خالقان اثر کازاما است. اما جالب‌ترین بخش اثر، امضای آن است، چرا که هم بخشی از کادر اثر است و کامل کننده آن است و هم به واسطه شکستن کادر توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند و نشان‌دهنده تفکری است که در پشت اثر وجود دارد، تفکری که در آن حتی به محل امضا هم پرداخته شده است.

۳-۴- پوستر دن کیشوت:

دن کیشوت اولین اثری است که در آن تأثیر کامل آثار تولز لوترک بر نیکلسون و پراید نمایان می‌شود. پراید و نیکلسون یک سال قبل از طراحی پوستر دن کیشوت در نمایشگاهی پوستر مولین راژ اثر لوترک را دیده بودند. در این پوستر نحوه مرتبط شدن رنگ‌های تخت به کمک خطوط نشان داده شده بود. لوترک همچنین در این اثر ارزش دکوراتیو توده رنگ سیاه که گاهی لکه سیاه[۲۱] نامیده می‌شد را نشان داده بود.

در پوستر دن کیشوت که احتمالاً بهترین اثر بگرشتاف است، فیگور نیم‌رخ دن کیشوت را که روی یک اسب سفید رنگ نیم‌رخ نشسته است، می‌بینیم. صرفه‌جویی در بیان این اثر حیرت‌انگیز هیچ کجا به اندازه اسب دن کیشوت نمایان نمی‌شود. توانایی ما برای مشاهده این اسب وابسته به حضور آسیاب بادی بزرگی است که پشت اسب قرار دارد و با تضاد رنگی خود منجر به جذابیت بصری می‌شود. (کولین کمپل، بگرشتاف:۴۹)

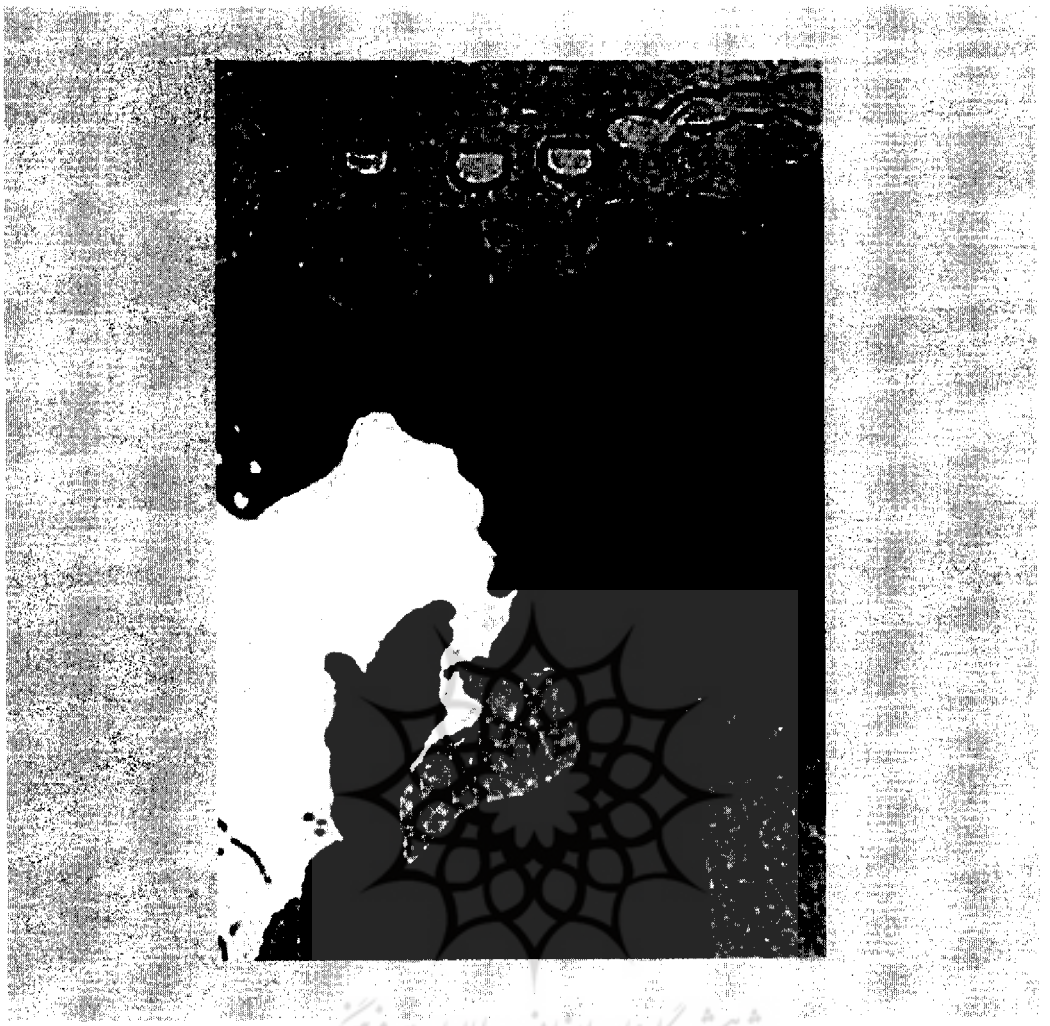

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آنچه که در این اثر باعث حرکت چشم می‌شود و اثر را از حالت سکون خارج می‌کند، جدای از خطوط مورب، تضادی است که به واسطه تفاوت در جهت نگاه دن کیشوت و اسبش با جهت قرائت نوشتار وجود دارد. مخاطب عامل نوشتار را از چپ به راست قرائت می‌کند، ولی جهت نگاه و حرکت دن کیشوت به همراه اسبش از راست به چپ است و همین تضاد و کشمکش بصری باعث جذاب‌تر شدن اثر می‌شود.

در این اثر همچون اثر کازاما جای امضا بسیار حساب شده و دقیق است، به‌طوری که مکان مناسب امضا نیروی بصری فضای منفی را تعدیل کرده و آن را به تعادل می‌رساند.

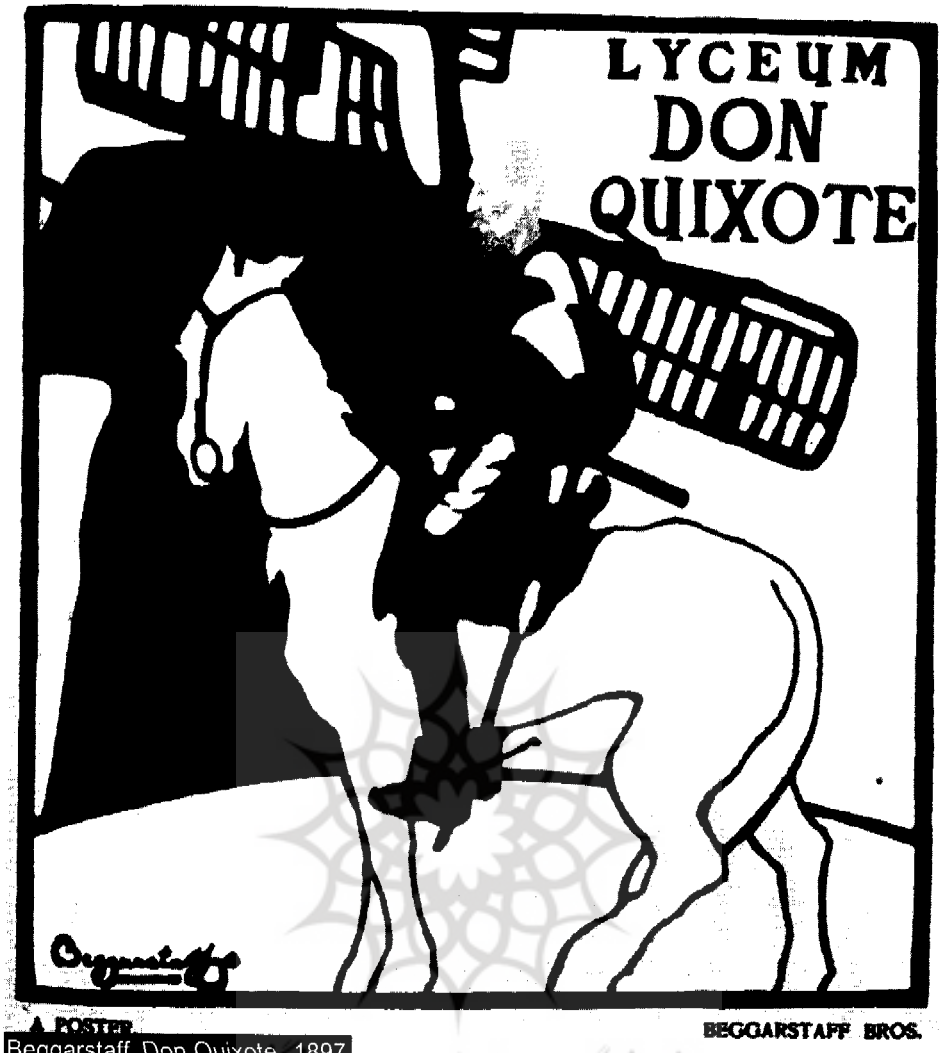

Beggarstaff, Don Quixote, 1897

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۴-۴- پوستر شکلات برگزیده رونتری:

برای تبلیغ واردکننده کاکائو، گروه بگرشتاف محصول را به کمک یک فنجان کم اهمیت نشان داده و بیشتر روی یک شخصیت متمرکز شده‌اند. در تصویر سه شخصیت بلندمرتبه در لباس‌های دوران‌های مختلف نشان داده شده و فقط به جزئیات یکی از آنها پرداخته شده است.

این اثر یکی از آثار تحسین شده بگرشتاف بود که با سیزده فوت ارتفاع یک بیلبورد بزرگ بود و نه پوستر. این اثر بزرگ‌ترین اثر بگرشتاف است. به‌علاوه اثر در دو اندازه دیگر به شکل گسترده‌ای در بریتانیا توزیع شد و احتمالاً به همین دلیل نسبت به دیگر آثار بگرشتاف توجه بیشتری به آن شده است. (رنرت، ۱۹۸۹:۱۸۶)

علی‌رغم این که تنها به جزئیات لباس یکی از سه شخصیت اثر پرداخته شده است، ولی جزئیات ریزی مانند یقه سیاه رنگ مردی که در پس زمینه ایستاده، منجر به حرکت چشم در اثر می‌شود و همین اتفاق به کمک لکه قرمز رنگ روی فنجان تکرار می‌شود.

Beggarstaff, Rowntree's Elect Cocoa, 1899

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۵-۴- پوستر سفر به سرزمین چین:

طراحی برای کمدی موزیکال «سفر به سرزمین چین» شامل یک ترکیب‌بندی غیرقرینه از یک مرد چینی به همراه ترکیبی از رنگ‌های روشن و تیره در برابر رنگ واسط نارنجی است. استفاده از قیچی در خطوط محیطی مرد چینی بیشتر از اثر هملت نمایان است.

تأثیر چاپ ژاپنی بر روی نیکلسون و پراید بیشتر در رنگ‌های تخت و خالص نمایان می‌شود. قاب

مستطیلی که در گوشه بالای اثر قرار دارد، یادآور قاب‌هایی است که در چاپ‌های ژاپنی دیده می‌شود. حاشیه قهوه‌ای رنگ که حامل عنوان کمدی موزیکال است، بعد از این که اثر از استودیوی بگرشتاف خارج شد به آن اضافه شد. (کولین کمپل، بگرشتاف: ۳۸)

Beggarstaff, A Trip to Chinatown, 1899

طراحی حروف با سبک چینی اگرچه به تنهایی برای عنوان مناسب است به پوستر حالتی فانتزی می‌دهد که با طراحی سبک‌وار و فوق‌العاده زیبای مرد چینی به شدت در تضاد است؛ به ویژه که حرکت مرد چینی به سمت خارج کادر است و حرکت دست او نیز چشم را به سمت خارج هدایت می‌کند و ناگهان این حرکت با عامل نوشتار که از لحاظ بصری سنگین است مسدود می‌شود. گفته می‌شود این اثر به این دلیل که پراید و نیکلسون طراحی حروف را که توسط چاپچی به آن اضافه شد دوست نداشتند، امضا نشد.

۶-۴- پوستربرای مجله هارپر:

جک رنرت[۲۲] در کاتالوگ حراج بین المللی پوستر سال ۱۹۸۹ درباره این پوستر می گوید:

علی‌رغم این که پوستر برای یک مجله آمریکایی طراحی شده بود، توزیع کنندگان بریتانیایی آن خواهان یک تصویر با ویژگی های آثار بریتانیایی بودند، از این‌رو گروه بگرشتاف سیمای یک نگهبان برج در دوران هانری هفتم با ابزارآلات بریتانیایی متعلق به همان دوران را نشان دادند.

کمپل درباره این پوستر این گونه توضیح می دهد:

یکی از نقدهایی که توسط یک منتقد ادبی در نوامبر ۱۸۹۵ در نشریات هنری منتشر شد، مثال و معیاری است برای اکثر نقدهایی که بر این اثر شده است.

«تاکنون هیچ چیز تا این اندازه قوی و حیرت‌آور مخالف قراردادهای پذیرفته شده بر اندوخته‌های بشر نتاخته است.»

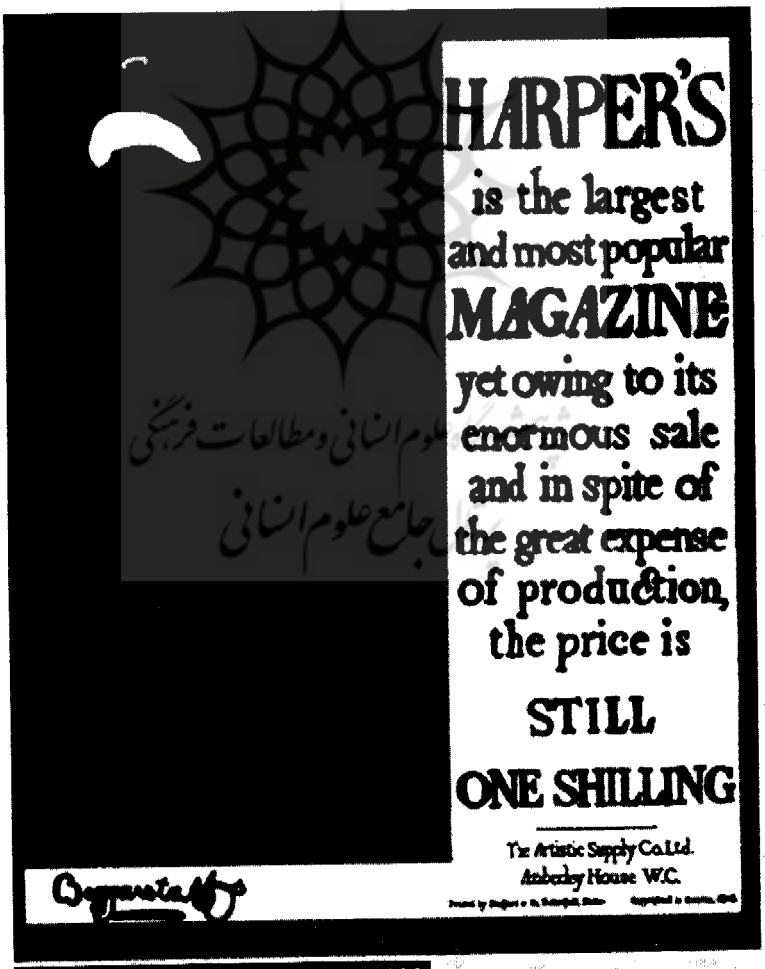

Beggarstaff, Harper's Magazine, 1896

نگهبان برج به رنگ تخت قرمز اسکارلت در زمینه‌ای به همین رنگ، با نیزه قهوه‌ای رنگ، در مقابل یک قاب بزرگ سفید به تعادل رسیده است و بیش از آن به زیبایی حروف چینی شده است و این همه فاتحانه نمایانگر یک ترکیب‌بندی دکوراتیو است. منصفانه است اگر تلاشی چنان جسورانه بسیار مورد ستایش قرار گیرد. گروه بگرشتاف با ساده کردن تصویر تا حد ممکن، ضربه جدیدی به بدنه هنر زدند که احتمالاً در نقاشی‌های دیواری دکوراتیو منعکس شد. این اثر انگلیسی است. مدرن است. خوب است، خیلی خوب. (کولین کمپل، بگرشتاف: ۵۷)

۵- نتیجه گیری:

اگر بپذیریم که هدف اصلی از طراحی پوستر القای پیام در کوتاه‌ترین زمان ممکن است، می‌توانیم بپذیریم که برادران بگرشتاف در آثار خود از کوتاه‌ترین راه به این هدف رسیده‌اند و این مهم برآورده نمی‌شد اگر هنر چاپ ژاپن به صورت گسترده بر هنر اروپا تأثیر نمی‌گذاشت. تأثیر هنر ژاپن بر هنر اروپا منجر به ایجاد یک رویکرد جدید در هنر گرافیک این قاره شد، به شکلی که هنرمندان به‌جای سایه‌پردازی و استفاده از پرسپکتیو در آثار خود به رنگ‌های تخت و خطوط محیطی رو آوردند و این رویکرد در آثار هنرمندانی چون لوترک متولد شد و در آثار بگرشتاف به اوج پختگی و کمال خود رسید. اگرچه از زمان خلق پوسترهای بگرشتاف سال‌ها می گذرد، ولی این آثار به دلیل نگاه نو هنرمندان آن همچنان تازگی، طراوت و قدرت خود را حفظ کرده‌اند و هنوز هم برای طراحان گرافیک در سراسر جهان هنر نکات ارزشمندی دارند و به طور قطع دیدگاه بسیاری را متحول کرده و می‌توان ردپای آنها را تا امروز جست‌وجو کرد.

پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها:

۱. Beggarstaff ترکیبی است از دو واژه beggar به معنای گرفتار فقر و staff به معنای کارکنان. شاید تلفظ فارسی بگراستاف برای آن مناسب‌تر باشد، زیرا بگرشتاف حال و هوایی آلمانی دارد ولی با توجه به این که در ترجمه کتاب تاریخچه طراحی گرافیک این واژه به این شکل استفاده شده است، در متن حاضر هم به همان شکل آمده است. لازم به توضیح است که بخشی از توضیحات پیرامون نحوه شکل‌گیری گروه، خلاصه‌ای از مقدمه کاتالوگ نمایشگاه نقاشی از آثار نیکلسون است که به سال ۲۰۰۵ در گالری Sackler برگزار شد.

2. Sir William Nicholson

3. James Pryde

4. Greg Harris

5. Edward Gordon Craig

6. St Magnus Grammer School

7. William Cubley

8. Hubert von Herkomer's art school

9. Hertfordshire

10. Academie Julian

11. Nabis

12. Gauguin

13. Velasquez

14. Mabel Pryde

15. Denham

16. James Pryde

17. Westminster Aquarium

18. Idler

19. William Weston

20. Coursing

21. Black Blot

22. Jack Rennert

منابع:

کتب فارسی:

هولیس، ریچارد (۱۳۸۱). تاریخچه‌ای از طراحی گرافیک (سیما مشتاقی، مترجم). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و انتشارات اسلامی (۱۹۹۷).

کتب لاتین:

- Campbell, Colin (1990). The Beggarstaff Posters. London: Barrie & Jenkins.

- Harris, Greg(2004). William Nicholson. Royal Academy of Arts: Educational Department.

- Hall, G. K, Rennert, Jack; Weil, Alan; (1984). Alphonse Mucha: The complete Posters and Panels. Boston.

Rennert, Jack (1989). Auction Catalogues of Poster Auctions International Inc. New York.

منابع اینترنتی:

http://www.abbeville.com

https://www.allposters.com

http://www.encyclopedia.com

http://www.metafilter.com

http://www.sdmart.org

http://www.yaneff.com (بخش اعظم تصاویر از این سایت گردآوری شده‌اند.)